

تبیین نقش نام "نجف آباد" در بازشناسی هویت ایران عصر صفوی

رسول شریفی نجف آبادی، مژگان انتظاری نجف آبادی

^۱ دکترای جغرافیا، مدرس مراکز تربیت معلم استان اصفهان، ۰۹۱۳۲۳۲۲۳۴۸ ، Sharifi1010@gmail.com.

^۲ دکترای جغرافیا، عضو هیات علمی دانشکده جغرافیای دانشگاه اصفهان، Entezary54@yahoo.com.

چکیده

پس از قرن‌ها کشمکش و آشوب، سرانجام حکومت صفوی توانست، سرزمین از هم گسیخته ایران را متحد و یکپارچه ساخته و هویت و استقلال آن را، همچون گذشته، احیا کند. این حکومت که بیش از دو قرن تداوم یافت، در عرصه‌های مختلف، پیشرفت‌های زیادی داشت. نام‌های اردبیل، بندر عباس، تبریز، قزوین و اصفهان تداعی‌کننده‌ی خاستگاه، نام پادشاه، پایتخت‌ها و هنر و معماری با شکوه این دوره بوده و در تبیین و بازشناسی این بخش از هویت گذشته‌ی ایران راهگشا می‌باشند. مردم محلی شهر "نجف آباد" بر این باورند که شهر محل زندگی آن‌ها در زمان شاه عباس صفوی و با مدیریت شیخ بهایی ساخته شده است. هدف از ارائه این مقاله، تحقیق پیرامون این موضوع است. اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش به دو روش اسنادی و میدانی گردآوری شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که هر چند در منابع دست اول صفویه مانند "عالم‌آرای عباسی" نامی از این شهر و علت و چگونگی احداث آن به میان نیامده است؛ ولیکن با استناد به سفرنامه‌ها، گزارش‌های تاریخی و شواهد برجای مانده مانند شبکه قنوات، فرم شهرسازی، آثار باستانی، نام‌های تاریخی و ... این موضوع قابل اثبات است. بنابراین، نام "نجف آباد" نیز در کنار نام سایر شهرهای ذکر شده، می‌تواند تداعی‌کننده هویت ایران عصر صفوی باشد.

واژه‌های کلیدی: هویت ایرانی، حکومت صفوی، شاه عباس اول، شیخ بهایی، شهر نجف آباد.

مقدمه

"هویت" مجموعه‌ی صفات و ویژگی‌هایی است که فردی را از فردی، اجتماعی را از اجتماعی و یا شیئی را از شیئی دیگر متمایز می‌سازد [۱۲]. در مباحث جامعه‌شناسی، از جغرافیا، نژاد، تاریخ، زبان و دین به عنوان عناصر اصلی هویت ملت‌ها بحث می‌شود که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد [۳۱]. "هویت ایرانی" در فضای جغرافیایی فلات ایران، طی هزاران سال از بطن تمدن‌های سیلک، جیرفت، شهر سوخته، ایلام و ... سر برآورد و با نژاد آریایی درهم آمیخته و در قالب حکومت‌های هخامنشی، اشکانی، ساسانی و ... و زبان و ادبیات فارسی به ابراز وجود پرداخت. این جامعه از اصیل‌ترین جوامع بشری است که در طول حیات خود با چهار بحران بزرگ هویتی یونانی، مغولی، عربی و غربی روبرو شد که تلاش داشتند، بر هویت آن تاثیر گذاشته و ماهیت آن را متحول سازند. هرچند بحران‌های هویتی یونانی و مغولی در این راه موفقیتی نداشتند، اما به دلیل روح حقیقت‌جویی ایرانیان، فرهنگ اسلامی اعراب توانست در ایران نفوذ کرده و به عنوان یکی از عناصر اصلی هویت، جایگزین دین زرتشتی شود. ایرانی‌ها فرهنگ

اسلامی را پذیرفتند اما حاضر به تغییر زبان و تبعیت از خلفای بنی امیه و عباسی نشدند و همین موضوع باعث چندین قرن کشمکش شد.

در سال ۹۰۷ ه.ق توسط شاه اسماعیل اول و با محوریت ملیت ایرانی و مذهب تشیع، حکومت صفویان را پایه گذاری کرد که دو قرن تداوم یافته و سرانجام با تصرف اصفهان به دست افغان ها و سرنگونی شاه سلطان حسین خاتمه یافت. دولت صفوی که در ابعاد سیاسی، مذهبی و زبانی مستقل بود، به هویت ایرانی جان تازه ای بخشید [۳۱]. شاه عباس اول (۱۶۲۹-۱۵۸۸ م/ ۱۰۳۸-۹۹۶ ه.ق) معروف به شاه عباس کبیر از معروفترین پادشاهان این دوره بود. او زمانی به قدرت رسید که فرماندهان قزلباش سر به شورش برداشته و کشور ایران را دچار هرج و مرج کرده بودند. بخش بزرگی از غرب ایران در چنگ عثمانی ها قرار داشت و شرق کشور نیز عرصه تاخت و تاز ازبکان شده و پرتغالی ها هم به جنوب کشور رخنه کرده بودند. شاه عباس برای سروسامان دادن به این اوضاع نابسامان دست به اقداماتی زد. از جمله با یک رشته لشکرکشی های پی در پی، امیران سرکش قزلباش و متجاوزان خارجی را سرکوب کرد و نظارت دولت بر کشور را گسترش داد [۱۷]. همچنین، افراد توانمند و شایسته را بدون توجه به پایگاه قبیله ای و خانوادگی برای بهبود کارها به کار گرفت. این تمهیدات باعث شد که ایران به صورت کشوری یک پارچه و متحد و قدرتمند در آید و با ایجاد امنیت و رونق اقتصادی، زمینه برای پیشرفت در عرصه های مختلف کشاورزی، تجارت، هنر، صنعت و شهرسازی ایجاد گردیده و ایران به اوج اقتدار برسد.

بدون شک در این پیشرفت و آبادانی، دیوانسالاران نقش مهمی داشته اند که یکی از مهمترین آن ها شیخ بهایی بوده است [۱۵]. وی در سال ۹۵۳ ه.ق (۱۵۴۶ م) در شهر بعلبک لبنان متولد شد و هنگامی که ۱۳ ساله بود همراه خانواده به قزوین آمده و به آیین ایرانی پرورش یافته از علمای زمان خود شد. شاه عباس در سال ۱۰۰۶ ه.ق پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و او را به همراه خود به این شهر آورد و وی را از ملازمان و مشاوران خاص خود قرار داد [۵]. طراحی بنا و نظارت بر ساخت مسجد امام اصفهان و تعیین قبله آن و همچنین ساخت ساعت آفتابی شاخص اوقات شرعی برای این مسجد، طراحی حمامی که با یک شمع فعال بود، طراحی حصار شهر نجف اشرف، اجرای طرح تقسیم آب زاینده رود و اندیشه انتقال آب از حوضه کارون به این حوضه را به وی نسبت می دهند [۳، ۵، ۱۰ و ۲۴].

طرح مساله

"نام جغرافیایی" کلمه و یا گروهی از کلمات است که برای نامیدن و شناسایی مکان به خصوصی از سطح کره زمین بکار می رود. "نام جغرافیایی" بخشی از هویت یک مکان است که با سایر ویژگی های آن ارتباط داشته و می تواند در بازشناسی تاریخ، فرهنگ و هنر آن مکان نقش موثری داشته باشد. چنانچه، نام های اردبیل، بندر عباس، تبریز، قزوین و اصفهان یاد آور خاستگاه، نام پادشاه، پایتخت ها و معماری و هنر با شکوه دوره صفوی بوده و در تبیین و بازشناسی بخشی از هویت ایران در عصر صفوی موثر باشند.

هدف از ارائه این مقاله، معرفی شهر "نجف آباد" است که مردم محلی آن بر این باورند که این شهر به امر شاه عباس صفوی و تحت نظارت شیخ بهایی تاسیس گردیده است (شکل ۱)، [۱۸]. بر همین اساس، امروزه دو مجسمه از شیخ بهایی در این شهر نصب کرده (شکل ۲) و یکی از خیابان های اصلی و چند مرکز فرهنگی را نیز به نام وی نامگذاری کرده اند.

از آنجایی که تا کنون در مجامع علمی، مقاله و یا کتابی که به طور جامع به بررسی و تحلیل این موضوع بپردازد، منتشر نشده و تنها به صورت جسته و گریخته در برخی کتاب ها، پایان نامه ها و یا مقالات به این موضوع اشاراتی شده بود؛ لازم به نظر می رسید که به بحث مستقلی در این مورد پرداخته شود. بر این اساس فرضیه های زیر مطرح شد :

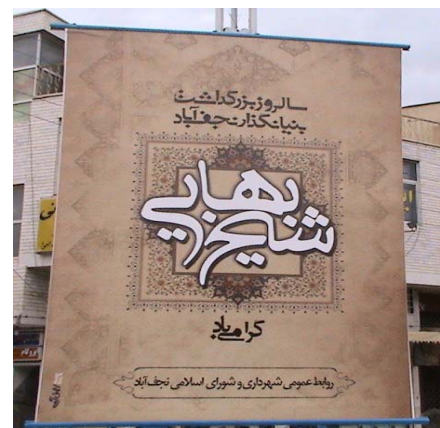
- ۱- شهر نجف آباد در دوره صفویه و به امر شاه عباس اول ایجاد شده است.
- ۲- شیخ بهایی بر احداث این شهر نظارت داشته است.
- ۳- نام نجف آباد در ردیف نام های اردبیل، تبریز، اصفهان، قزوین و بندر عباس می تواند در بازشناسی هویت ایران عصر صفوی موثر باشد.

اثبات این فرضیه ها می تواند فوایدی را در بر داشته باشد. از جمله این که :

- در شناخت بیشتر هویت ایران عصر صفوی موثر باشد.
- به مدیران این شهر کمک کند تا با درک اهمیت آثار برجای مانده از گذشته این شهر، از تخریب و تغییر کاربری این اماکن خود داری کرده و در حفظ آثاری که به تاریخ پرافتخار این مرز و بوم گره خورده اند ، سهمیم باشند.
- در شناساندن هرچه بیشتر این منطقه به جامعه و گسترش گردشگری و توریسم در آن موثر باشد.



شکل ۲: مجسمه شیخ بهایی در ورودی شهر
(میدان آزادگان).



شکل ۱: انتساب شهر نجف آباد به شیخ بهایی.
(میدان شهرداری نجف آباد، ۳ اردیبهشت ۱۳۸۸).

روش تحقیق

اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق به دو روش اسنادی و میدانی گرد آوری شد. بر این اساس، ابتدا سعی شد از کتاب ها، مقاله ها و پایان نامه های موجود در دانشگاه های اصفهان، آزاد اسلامی نجف آباد، شهرداری اصفهان و همچنین، اسناد محلی موجود در فرمانداری، شهرداری، مسکن و شهر سازی، پایگاه میراث فرهنگی و دفتر قنوات نجف آباد، یادداشت برداری صورت گیرد. سپس، با بازدید از آثار بر جای مانده در منطقه و مصاحبه با افراد مطلع محلی و بررسی نقشه های توپوگرافی و شهری نسبت به تطبیق، اصلاح و تکمیل مستندات اقدام گردید. در پایان اطلاعات به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل منطقی و نتیجه گیری قرار گرفت و پیشنهاداتی ارائه گردید. از آنجایی

مناطق غرب پایتخت برقرار شد و شهر هایی مانند خوانسار، گلپایگان و نجف آباد به مراکز تجاری و بازرگانی تبدیل شدند» [۲۱].

«نجف آباد شهری است که در زمان شاه عباس به دستور و نقشه شیخ بهایی به عنوان قورخانه ساخته شده و از صنعتگران اسلحه سازی مسکون گردید. دکان های چاقوسازی و کارد و چنگال های معروف فعلی نجف آباد از بقایای آن ایامند» [۱۳].

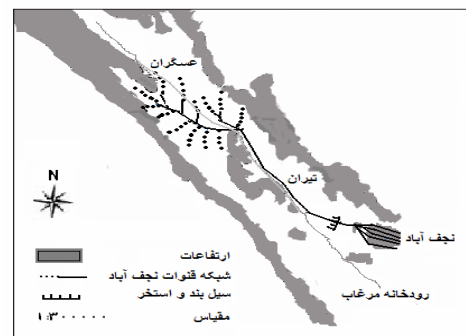
دهخدا، افشار سیستانی و ابولقاسم پاینده [۶، ۱ و ۱۲] نیز با اندکی اختلاف این چنین روایت کرده اند: «در زمان سلاطین صفوی در حدود سال ۱۰۲۲ ه.ق از طرف شاه عباس مقداری جواهر و پول نقد برای مقبره حضرت علی (ع) اختصاص داده شد و تصمیم گرفته شد که وجوه مزبور به نجف اشرف ارسال شود. در این موقع، شیخ بهایی از این قضیه آگاه شد و دریافت که خروج این ذخایر به خلاف مصالح ایران است و برای جلوگیری از ارسال وجوه تدبیری اندیشید. به حضور شاه عباس کبیر رسید و گفت دیشب در خواب حضرت علی (ع) را زیارت کردم. ایشان به من فرمودند که نجف اشرف را به جواهرات شما حاجتی نیست. جواهرات را صرف ساختمان شهری در نزدیکی اصفهان به نام نجف آباد کنید. شاه را سخن شیخ بهایی مقبول افتاد و با نظارت شیخ بهایی شهر نجف آباد ساخته شد».

شبکه تامین و توزیع آب قنوات و باغ ها

در میانه دشت کرون - حد فاصل روستای شهر عسگران در ۵۵ کیلومتری و روستای تندران در ۳۵ کیلومتری غرب شهر نجف آباد - ۱۷ رشته قنات وجود داشته که امروزه فقط ۱۳ رشته از آن ها به نام های زرین، کوزادان، صادق آباد، کاشیان، کی، عباس آباد، شور، رحیم آباد، حسین آباد، ناظری، محمدی، قرق و شاه باقی مانده است. این قنات ها معمولاً بین ۴ تا ۶ کیلومتر طول داشته و با ده ها حلقه چاه به تبعیت از شیب زمین، بصورت شعاعی و همگرا از سمت های شمال، غرب و جنوب به طرف مرکز دشت حفر شده اند. جوی شاه بزرگ به طول ۱۸ کیلومتر آب ۸ قنات اول و جوی شاه کوچک به طول ۹ کیلومتر آب ۴ قنات بعدی را در دو مسیر جداگانه جمع آوری کرده که در مجاورت روستای تندران به هم متصل شده و نهر بزرگی به نام "جوی شاه عباسی" را تشکیل می دهند. در ادامه، این جوی مسیری طولانی ۳۵ کیلومتری را بصورت روباز و از میان ۷ روستا تا نجف آباد طی می کند [۱۱]. (شکل ۳). دبی این جوی به طور متوسط در حدود ۷۰۰ لیتر در ثانیه است .



شکل ۵: محل تقسیم آب قنوات نجف آباد



شکل ۴: شبکه ی تامین و توزیع آب قنوات نجف آباد

در گذشته، از آب جوی شاه عباسی در روستاهای بالادست برای آشامیدن و در طول مسیر برای استفاده احشام و شستشوی لباس ها استفاده می شده؛ همچنین در دو سوی این جوی درختان کهن و سرسبز توت، سنجد، کبوده، بید، چنار و... وجود داشته که محل استراحت روستاییان طول مسیر و مسافران خسته بوده است. آسیاب های آبی که تعداد آن ها را حدود ۲۳ مورد ذکر کرده اند، عموماً "در ابتدا و یا انتهای روستا های طول مسیر ساخته شده و محل خرد کردن غلات منطقه بوده اند [۱۱]. در حدود ۶ کیلومتری غرب نجف آباد و قبل از آنکه آب قنوات به شهر برسد، سیل بند ها و استخر هایی تعبیه شده بود. آب قنوات در قسمتی از فصول پاییز و زمستان که کشاورزان نیازی به آب نداشتند به این مکان هدایت می شد و از هدر رفتن آب به داخل شهر و باغات و احیاناً "تخریب ساختمان ها و باغات جلوگیری می شد. همچنین، با نفوذ این آب ها در زمین، سفره های آب زیر زمینی منطقه تقویت شده و قنات های روستا های پایین دست پر آب تر می شدند [۲۰]. هنگامی که آب قنوات به غرب نجف آباد و محلی به نام فعلی امیر آباد می رسید (شکل ۵)، طی چند مرحله به ۱۷ سهم تقسیم می گردید و هر سهم در جوی جداگانه ای جاری می گشت.

این جوی ها در قسمت ابتدایی مسیر در کنار هم حرکت می کردند و سپس به سمت شمال و یا جنوب منحرف شده، به سوی اراضی مورد نظر هدایت می شدند. در دو طرف جوی ها درختانی کشت شده بود که تردد از میان آنها و استفاده از سایه و محصول آنها برای عموم مردم آزاد بود. به این مکان ها "بیشه" می گفتند که تفرجگاه مردم به حساب می آمد. این جوی ها مجموعاً « ۶۱۹۲ جریب زمین نجف آباد را با نوبت آبیاری بین ۵ تا ۱۰ روز مشروب می ساختند» [۱۱]. طی ۴۰۰ سال گذشته تشکیلات منظمی برای نظارت بر تقسیم آب، لایروبی و باز سازی و نگهداری قنوات وجود داشته که امور مربوط به قنوات و تقسیم آب آن را بر عهده داشته است. امروزه این کار را دفتر قنوات نجف آباد انجام می دهد.

پس از تاسیس شهر نجف آباد، زمین های آن به باغات سرسبز و خرم تبدیل گردید و با نام چهار باغشاه به تملک دربار صفویه درآمد. گروهی از کشاورزان مهاجر هم به عنوان رعایا، امور این باغات را اداره کرده و سهمی از محصول را برداشت می کردند. بخشی از عایدات باغات نیز هر ساله برای هزینه روشنایی حرم مطهر حضرت علی (ع) به آن دیار ارسال می شده است [۳۳]. این باغات وسیع و سر سبز، همواره مازاد تولیدی داشته اند که به شهر اصفهان و سایر شهر های همجوار فرستاده می شده است. دکتر هنریش بروگش^۱ [۴] سفیر آلمان در ایران که در سال ۱۸۶۱ میلادی از این منطقه گذشته است، می نویسد: باغ های نجف آباد به قدری وسیع هستند که ما مدت سه ربع ساعت در کوچه باغ های این شهر با اسب های خود می تاختیم تا بالاخره به خیابان ها و بازار شهر رسیدیم. الاصفهانی [۲] نیز در سال ۱۲۷۰ ه.ش نوشته است: « سلاطین صفوی از ابتدای این شهر به طرف طول، خیابانی انداخته اند به طرز چهارباغ اصفهان و در دو طرف اشجار چنار کاشته اند و در هر دو طرف باغات انداخته و ممتد نموده اند و به کمال خوبی ساخته و اگر چه اکثر آن خراب شده و درختان ضایع گشته، معذالک هنوز شکوه و صفای آن، خود حکایت بزرگی بانی را می نماید».

نقشه شهر

نقشه شهر نجف آباد به گونه ای بوده است که که مسافران، جهانگردانی و پژوهشگرانی را که در طی دوره های مختلف از این شهر بازدید داشته اند را به تحسین واداشته است. زین العابدین شیروانی [۱۹] که در زمان حکومت

1) Heinrich Brughsh

محمد شاه قاجار از این شهر دیدار داشته آن را اینگونه توصیف می کند: «شاه عباس ماضی آن قصبه را احداث نموده و جمیع خانه ها و بوستان های آنجا را به طریق مهندسی طرح فرموده و از چهار طرف آنجا زیاده از یک فرسخ خیابان کشیده و درخت چنار و اشجار میوه دار در آن خیابان ها نشانیده. راقم در تمامت کشور ایران بدان اسلوب شهری و قصبه ای ندیده، قریب هزار باب خانه در اوست». هنریش بروگش [۴] نیز که در سال ۱۸۶۱ میلادی از این شهر دیدار داشته، می نویسد: «خانه های نجف آباد خیلی مرتب و طبق اصول شهرسازی ساخته شده اند و شاید در این امر نزدیکی زیاد به اصفهان موثر بوده است».

آندره زیگفرد^۱ [۱۳] در مقاله سازگاری ایرانی ضمن اشاره به بی نظمی حاکم بر شهر سازی ایران که آن را حاصل تبدیل مزارع و باغات به حیاط ها و عمارات دانسته و معتقد است هیچ قانون وهدف پیش بینی شده ای در ساخت آن ها موثر نبوده؛ در ادامه چنین نگاشته است: «فقط شهر نجف آباد اصفهان را از این جهت مستثنی دیدم. شهر سازی نجف آباد به هیچ وجه تازه و مربوط به دوران اخیر نیست. شهری است که در زمان شاه عباس به دستور و نقشه شیخ بهایی به عنوان قورخانه ساخته اند. نجف آباد تنها محلی - یا یکی از محل های نادری - است که چون به منظور خاص و طبق نقشه عمومی با فکر واحد به وجود آمده است، دارای نظام و قاعده است».

ساکنان اولیه شهر

در مورد ساکنان اولیه این شهر هم نظرات متفاوتی وجود دارد:
- «شاه می خواست آنجا هسته شهری شود. اما آسان نبود. کسی را به اقامت ریگزار کم آب رغبت نبود. به فرمان شاه اطراف صحن و گنبد و بارگاه و باغات قدمگاه بست شد و هر گنه کار سیاسی که آنجا مقیم می شد، از تعرض و بازخواست مصون بود. بدینگونه شهرک نون بنیاد گرفت و با گذشت ایام چون موجودی زنده رشد کرد و مایه گرفت» [۱۳و۶].

- «نجف آباد احداث شد تا صنعتگران اطراف و اکناف کشور در این شهر گرد آیند و آمادگی دفاعی صفویان توسعه طلب را از طریق ساخت انواع سلاح های آتشین افزایش دهند [۱۳].

بحث

هر چند در منابع دست اول صفویه مانند «عالم آرای عباسی» و سایر منابع معتبر نامی از این شهر و علت و چگونگی احداث آن به میان نیامده است [۸]، ولیکن به چند دلیل می توان فرضیه احداث این شهر به امر شاه عباس صفوی را تایید کرد:

۱- یکی از ایرادهای وارد بر فرضیه احداث شهر نجف آباد به دست شاه عباس صفوی این است که چرا از این شهر و چگونگی احداث آن در منابع دست اول صفوی بحثی به میان نیامده است؟ این موضوع را می توان اینگونه توجیه کرد که در زمانی که کشور ایران و به خصوص شهر اصفهان در اوج شکوه و سازندگی قرار داشت و آثار گرانبهایی مانند میدان عظیم نقش جهان، چهار باغ عباسی، عمارت عالی قاپو، سی و سه پل، پل خواجه و ده ها بنای دیگر در حال ساخت بوده؛ موضوع ایجاد شهرکی در ۳۰ کیلومتری پایتخت چندان مهم و قابل توجه نبوده است که الزاما از آن ذکری به میان آید.

۲- طبق بررسی های صورت گرفته تا قبل از احداث شهر نجف آباد، تنها مکان موجود در آن حوالی قلعه ای به نام "حاج نوروز" بوده که در چند صد متری غرب هسته مرکزی شهر فعلی وجود داشته است [۲۹]. با توجه به این که هیچ قنات و یا آثار باستانی قابل توجهی از این مکان گزارش نشده، می توان این قلعه را محل اسکان افرادی دانست که به شغل دامپروری در این دشت مشغول بوده اند. بنابر این، واضح است که شهرنجف آباد تا قبل از دوره صفوی وجود نداشته است. وضعیت شبکه قنات نجف آباد که از ۱۷ رشته تشکیل شده و آب را از فاصله ۵۵ کیلومتری به این شهر می رسانده اند و همچنین نقشه بسیار منظم آن با میدان های بزرگ و شبکه معابر عریض این فرض مسلم را مطرح می سازد که این مجموعه در یک مرحله و در شرایطی که اوضاع اقتصادی و امنیتی حاکم بر جامعه بسیار خوب بوده، تحت مدیریت و برنامه ریزی واحدی شکل گرفته است. بدیهی است که عکس این فرضیه ممکن نیست؛ چرا که هیچگاه یک یا چند رشته محدود قنات نمی توانسته است در یک فاصله ۵۵ کیلومتری به جریان در آمده و تامین کننده آب مورد نیاز یک مجموعه منسجم شهری باشد، یا این که این شهر با این طرح و نقشه منظم، بدون برنامه ریزی جامع، تنها با توسعه قلعه ای کوچک، به مرور زمان و با سلیقه مردم محلی شکل گرفته باشد و یا این که هزینه سنگین احداث این مجموعه توسط اهالی منطقه تامین شده باشد. اگر نظر محققان مختلفی مانند سیوری و سلطان زاده [۱۵ و ۱۷] را در نظر بگیریم که معتقدند دوره شاه عباس اول از نظر اقتصادی و شهر سازی دوره ای ممتاز در سراسر دوران فرمانروایی صفویان و حتی بعد از آن بوده و هیچگاه در ادوار بعدی (افغان ها و یا نادر شاه و جانشینان او) دولت مقتدری که بتواند اینگونه به آبادانی منطقه همت بگمارد، وجود نداشته است؛ کاملاً" منطقی خواهد بود که تاسیس شهر نجف آباد را مربوط به عهد شاه عباس صفوی بدانیم.

۳- طبق بررسی های صورت گرفته توسط کارشناسان میراث فرهنگی کشور قدیمی ترین آثار موجود در این شهر، دو اثر می باشند که مربوط به عهد صفوی هستند. اثر اول، عصار خانه ای به نام عصار خانه آقا بزرگ است که در شمال غربی میدان اصلی شهر و در ابتدای بازار قرار گرفته و به شماره ۵۸۸۹ در لیست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. بر روی سنگ این عصار خانه سوره مبارکه «ن و القلم» به خط محمد حسن الامامی حک شده و تاریخ ۱۰۹۴ هجری قمری را نشان می دهد. این تاریخ حدود ۷۰ سال پس از تاریخ ذکر شده برای تاسیس شهر نجف آباد (۱۰۲۲ ه.ق) می باشد. اثر دوم، برج های دو قلوی کبوتر خانه معروف به صفا می باشند که آن ها را نیز مربوط به عهد صفوی دانسته و به شماره ۳۴۸۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسانده اند [۳۰]. وجود این دو اثر که ساختمان های مجلل و با شکوهی دارند نشانه رونق این شهر در عصر صفوی می باشد.

۴- انتخاب نام «نجف آباد» برای این شهر، با توجه به این که شاه عباس به حضرت علی (ع) ارادت می ورزید و عنوان مهر رسمی خود را «کلب آستان علی (ع)» نهاده بود و عواید بسیاری از املاک را در سراسر ایران وقف آرامگاه آن حضرت ساخته بود [۷] در خور توجه است.

۵- برخی از اسامی مانند جوی شاه عباسی، قنات شاه، خیابان شاه و باغ شاه که هنوز هم در این شهر به کار می روند، می توانند گویای ارتباط این نام ها با نام موسس این آثار باشند.

۶- اگر از موضوع سفر شاه به قمشلو و احتیاج او و همراهانش به استراحتگاهی در بین راه - که به دلیل وجود آبادی هایی دیگر در چند کیلومتری این شهر چندان منطقی به نظر نمی رسد- بگذریم؛ سایر نظرات در مورد علت ایجاد این شهر را می توانیم حول دو محور تقویت پایتخت و توقف کاروان شتر هدایای ارسالی به نجف اشرف خلاصه کنیم. احداث شهر نجف آباد برای تقویت پایتخت با تهیه آذوقه، ایجاد یک سد دفاعی و تولید ساز و برگ نظامی و یا ترکیبی از این اهداف کاملاً" منطقی به نظر می رسد. در مورد توقف کاروان شتر هدایای ارسالی به نجف

در این مکان، دو دیدگاه وجود داشته است: برخی از مردم محلی به این موضوع اعتقاد داشته و برای محلی به نام قدمگاه که آنجا را محل خوابیدن این کاروان می دانستند، تقدس قائل بودند؛ در حالی که، برخی دیگر این موضوع را افسانه ای بیش نمی دانستند و از آن به عنوان پوششی مذهبی برای تصمیم سیاسی شاه عباس در تقویت پایتخت یاد می کردند.

۷- هر کدام از فامیل های اصیل موجود در این شهر منشاء و اصل و نسب خود را از یکی از شهر های ایران مانند مشهد، یزد، دامغان، ری، اصفهان، خمینی شهر، ترکمن صحرا، خوانسار، گلپایگان، بختیاری و... منتسب می کنند. این موضوع با این فرضیه که جمعیت اولیه این شهر را مهاجرانی تشکیل می داده اند که توسط حکومت صفوی از مناطق مختلف ایران به اختیار یا به اجبار برای کشاورزی و یا صنعتگری به این مکان انتقال یافته بوده اند، همخوانی دارد.

۸- دانشمندان صاحب فضل ایرانی مانند علامه دهخدا (مؤلف لغت نامه معروف دهخدا)، افشار سیستانی (از محققان برجسته در علم تاریخ) و ابوالقاسم پاینده (مترجم قرآن کریم و کتاب چند جلدی تاریخ طبری و نویسنده نهج الفصاحه که متولد همین شهر است) همچنین نمایندگان و محققان خارجی مانند هنریش بروگش (سفیر آلمان در ایران -۱۸۶۱م)، راجرز سیوری (ایران شناس و استاد دانشگاه تورنتو کانادا -۱۹۴۵ م) و آندره زیگفرد (جغرافی دان و جامعه شناس فرانسوی -۱۹۵۰م) همگی موضوع ایجاد این شهر توسط شاه عباس را تایید کرده اند. بنابر این، نظر کارشناسی این افراد هم می تواند ملاک قضاوت قرار گیرد.

در مورد فرضیه دوم که شیخ بهایی بر احداث این شهر نظارت داشته است، نیز سه مطلب قابل بحث وجود دارد:

۱- محل انتخاب شده برای ایجاد این شهر در محدوده پیش کوه های زاگرس مرکزی و در ابتدای دشتی به نام کرون قرار گرفته است. در این دشت، تنها منبع آب سطحی رودخانه کم آب مرغاب است از سر شاخه های فرعی زاینده رود محسوب می شود. در حدود ۶۵ درصد منطقه را تشکیلات آهکی کرتاسه پوشانیده که به صورت نسبی قابلیت نفوذ خوبی دارند. سنگ بستر دشت نیز از تشکیلات غیر قابل نفوذ شیل ژوراسیک تشکیل شده که روی آن را تراس های آبرفتی دوران چهارم به ضخامت بین ۳۰ تا ۵۰ متر پوشانیده اند. این آبرفت ها به دلیل تراکم متوسط قابلیت نفوذ کمی داشته و ذخیره آبهای زیر زمینی کمی دارد، اما در محدوده کرون نفوذ پذیری این رسوبات افزایش یافته و سفره آب های زیر زمینی غنی را تشکیل می دهند [۲۳].

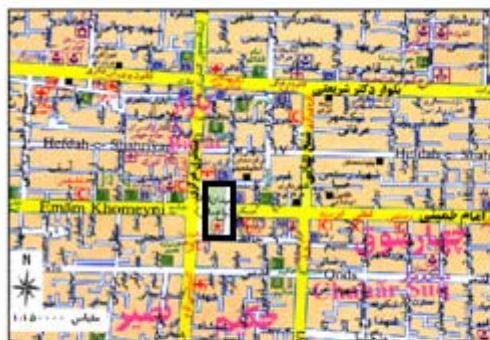
با در نظر گرفتن این شرایط طبیعی، در آن زمان برای تامین آب شهر نو بنیاد نجف آباد دو گزینه وجود داشت :
الف- انتقال بخشی از آب رودخانه مرغاب به این محل. این کار هزینه کمی داشت، اما باعث تغییر مسیر طبیعی رودخانه و کاهش سهم روستاهای منطقه از این آب می شد که در پی آن احتمال از رونق افتادن روستا ها و مهاجرت مردم و یا بروز اختلافات و درگیری هایی وجود داشت. علاوه بر این، آب این رودخانه در طول سال نوسانات زیادی داشت و نمی توانست مبنای یک برنامه ریزی مطمئن، منسجم و دقیق قرار بگیرد.

ب- احداث قنات هایی در محدوده کرون برای تامین آب این شهر. این کار هزینه زیادی داشت، اما سود آن این بود که منبع آب پایداری را تامین می کرد. با این کار نه تنها ساکنان روستا های منطقه آسیبی نمی دیدند؛ بلکه همانگونه که در ادامه بیان خواهد شد، منافع فراوانی نیز می بردند.

از بین این دو گزینه، مورد دوم انتخاب شد. محل حفر قنوات به دقت انتخاب شده و حفاری ها صورت گرفت. سپس جوی های انتقال آب با شیبی مناسب ایجاد شده و توزیع آب در سطح باغ ها صورت گرفت. استفاده از انرژی آب روان برای به حرکت در آوردن آسیاب های روستاهای طول مسیر، کاشت درخت در کناره جوی ها برای استراحت مسافران خسته و تعبیه استخر هایی در غرب شهر برای نفوذ دادن مازاد آب قنوات به زمین در فصول غیر زراعی که موجب تقویت قنوات روستاهای پایین دست می شد، نیز برنامه ریزی گردید.

۲- محل انتخاب شده برای احداث شهر نجف آباد، مخروط افکنه ای وسیع است که خاک خوب و مورفولوژی مناسبی دارد. کشیدگی مخروط افکنه در جهت طول و شیب بسیار کم آن به دو پهلو، امکان توزیع آب و کشاورزی را به خوبی فراهم می ساخته است. از طرف دیگر، با توجه به این که مخروط افکنه ها از مناطق مساعد برای وقوع سیلاب هستند، این مکان با خطر مواجه بوده است. جالب است که این شهر درست در بالاترین قسمت مخروط افکنه و در بین دو مسیل طبیعی موجود در منطقه، مکان یابی شده است تا هم از خاک خوب و مورفولوژی مناسب بهره مند شود و هم در صورت وقوع بارش شدید، آسیبی نبیند.

۳- هسته مرکزی شهر نجف آباد دو میدان داشته که یکی محل استراحت و اسکان موقت تاجران بوده و در اطراف آن کاروان سرا هایی وجود داشته و دیگری باغ سرسبزی بوده که محل تفرج مردم شهر بوده است. در سمت جنوب این مجموعه، مسجد و حمام و در سمت شمال آن، بازار، عصار خانه ها و کارگاه های آهنگری - که گفته می شود باقی مانده کارخانه های اسلحه سازی قدیمی اند- قرار داشته اند. خیابان کشی ها و کوچه بندی ها هم بسیار منظم و شطرنجی بوده و خانه ها نیز بر اساس قاعده و نظم در شهر توزیع شده بودند. حصار ی نیز این مجموعه را در بر می گرفته است. هر چند طراحی شهر ها به فرم شطرنجی جدید نبوده و در دوره سلوکیان و سایر دوره ها هم رواج داشته است [۲۶]، اما نقشه شهر نجف آباد بسیار دقیق و هوشمندانه طراحی شده و در آن برای هر یک از کاربری های مذهبی، بازرگانی، تفریحی، صنعتی و ... جایگاه خاصی پیش بینی شده بود. میدان ها و خیابان های وسیع در این شهر را می توان، اقتباسی از میدان های نقش جهان و خیابان های چهارباغ اصفهان دانست.



شکل ۷: نقشه مرکز شهر نجف آباد در وضعیت فعلی.



شکل ۶: نقشه باز سازی شده مرکز شهر نجف آباد در عهد صفوی

از مباحث فوق به طور منطقی می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که باید فردی عهده دار برنامه ریزی و نظارت بر این مجموعه شده باشد که در علوم جغرافیا، عمران و شهر سازی سر رشته داشته و برای رعایت حقوق مردم و استفاده بهینه از امکانات طبیعت نیز ارزش زیادی قائل باشد. علاوه بر این ها، چنین شخصی باید در دستگاه

حکومتی شاه عباس صفوی جایگاه مهمی داشته باشد که طرحی این مجموعه به وی واگذار شده باشد. اگر نظر راجر سیوری [۱۷] در مورد شیخ بهایی را مرور کنیم که بیان داشته است « دست راست شاه در کار عملی ساختن طرح های بلند پروازانه مردی بود به راستی برجسته، یعنی شیخ بهاء الدین محمد عاملی که به شیخ بهایی معروف است؛ او که به عنوان عالم الهی عالیقدر، فیلسوف، مفسر قرآن، فقیه، منجم، معلم، شاعر و مهندس چکیده ی جامعه صفوی عصر شاه عباس کبیر بود»؛ پذیرش نظر عامه مردم در مورد نقش موثر شیخ بهایی در تاسیس این شهر چندان مشکل نخواهد بود. به خصوص این که، این فرد فعالیت های درخشان و مشابهی مانند طومار تقسیم آب زاینده رود و طراحی انتقال آب از حوضه کارون به زاینده رود و چند فعالیت عمرانی دیگر را هم در کارنامه خود داشته است. این فرض که طراحی چنین شبکه منظمی برای شهر نجف آباد و در مجاورت پایتخت بدون نظر و مشورت شیخ بهایی صورت گرفته باشد، امری بعید به نظر می رسد. حتی برخی بر این عقیده اند که پیشنهاد اولیه تاسیس شهر نجف آباد را هم شیخ بهایی داده است [۱، ۱۲۰]. گفته می شود نسخه اصلی نقشه ای که شیخ بهایی برای نجف آباد ترسیم نموده است در موزه شهر لیسبون، پایتخت کشور پرتغال نگهداری می شود [۳۸].

نتیجه گیری

از مباحث فوق می توان به این جمع بندی رسید که:

- شهر نجف آباد در زمان شاه عباس صفوی و با موافقت شاه عباس کبیر به وجود آمده است؛ زیرا، تا قبل از حکومت وی جز یک قلعه دامپروری، هیچ زمین کشاورزی و قناتی در اطراف آن وجود نداشته است و ایجاد این مجموعه ی منظم و منسجم شهری، تنها در یک مرحله و با هزینه ای زیاد امکان پذیر بوده است که شرایط تاریخی آن تنها می توانسته است در زمان این پادشاه فراهم شده باشد. نام "نجف آباد" با توجه به ارادت زیادی که شاه عباس به حضرت علی (ع) داشت و عنوان مهر رسمی خود را "کلب آستان علی(ع)" نهاده بود در خور توجه است. نام های محلی و آثار باستانی باقی مانده نیز این موضوع را گواهی می دهند.

- شیخ بهایی بر احداث این شهر نظارت داشته است؛ زیرا، موقعیت انتخاب شده برای ایجاد این شهر در بهترین نقطه ممکن یک مخروط افکنه بوده و طراحی شبکه منظم شامل ۱۷ رشته قنات که تامین کننده آب این شهر بود و همچنین شهری با نقشه شطرنجی و میدان های وسیع و باغات گسترده از توان کسی بر می آید که با اصول شهر سازی آشنایی کافی داشته باشد و انجام چنین کاری در ۲۷ کیلومتری غرب پایتخت، بدون نظر و مشورت دانشمندی که در این علوم تخصص داشته و طرح های مهمی مانند تقسیم آب زاینده رود و طراحی مسجد میدان نقش جهان و... را به انجام رسانده باشد، قابل تصور نیست.

- شهر نجف آباد با ویژگی های ذکر شده در فلسفه ی ایجاد، وجه تسمیه، معماری شهری و طراحی شبکه ی آبرسانی، مجموعه منحصر به فرد و جامعی است که هر چند معروفیت شهرهایی مانند اردبیل، بندر عباس، تبریز، قزوین و اصفهان را ندارند؛ اما می تواند همپای این شهر ها تداعی کننده ی ویژه های هویت ایران عصر صفوی باشد.

پی نوشت

۱- به جز شهر نجف آباد که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است ۳۴ آبادی دیگر تحت همین نام در کشور وجود دارد [۱۲].

مرجع

۱. افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۷۸، *شناخت استان اصفهان*، چاپ اول، سال ۱۳۷۸، انتشارات هیرمند، تهران، ۴۶۰ صفحه.
۲. الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا، تصحیح دکتر منوچهر ستوده، ۱۳۴۰، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، چاپ دوم، سال ۱۳۶۸، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۳۷۲ صفحه.
۳. ایزدی، مصطفی، ۱۳۸۱، *چهره شیخ بهایی در معماری اصفهان*، مجله گزارش گفت و گو، شماره ۲۷، تهران، صفحات ۹۳-۹۰.
۴. بروگش، هنریش، ترجمه م. کردبچه، ۱۳۶۷، *سفری به دیار سلطان صاحبقران*، جلد دوم، چاپ اول، سال ۱۳۶۷، انتشارات اطلاعات، تهران، صفحات ۷۴۰-۳۲۰.
۵. بقایی، اسداله، ۱۳۷۷، *زندگی و آثار شیخ بهایی*، چاپ اول، سال ۱۳۷۷، شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان، اصفهان، ۱۴۰ صفحه.
۶. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۵۷، *قدمگاه شهرک نون*، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۰۷۳، پنج شنبه، ۱۷ مرداد ۱۳۵۷.
۷. پناهی سمنانی، محمد، ۱۳۶۹، *شاه عباس کبیر*، چاپ اول، سال ۱۳۶۹، انتشارات کتاب نمونه، تهران، ۲۸۰ صفحه.
۸. ترکمان، اسکندر بیک، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ۱۳۷۷، *تاریخ عالم آرای عباسی*، ۳ جلد، چاپ اول، سال ۱۳۷۷، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۸۲۴ صفحه.
۹. جعفری، عباس، ۱۳۷۹، *دیره / المعارف جغرافیایی ایران*، جلد سوم، چاپ اول، سال ۱۳۷۹، انتشارات گیتا شناسی، تهران، ۱۳۹۲ صفحه.
۱۰. حقیقت، عبد الرافع، ۱۳۶۸، *تاریخ نهضت های فکری ایرانیان*، جلد چهارم - بخش دوم، چاپ اول، سال ۱۳۶۸، ناشر شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران، صفحات ۱۴۵۷-۶۵۸.
۱۱. دفتر قنوت نجف آباد، ۱۳۴۶، *مشخصات ثبتی قنوت شهرستان نجف آباد*، ۲۸ صفحه.
۱۲. دهخدا. علی اکبر، ۱۳۴۱، *لغت نامه دهخدا*، جلد ۴۷، چاپ اول، سال ۱۳۴۱، نشر سازمان لغت نامه، تهران، ۵۰۰ صفحه.
۱۳. زیگفرد، آندره، ترجمه احمد آرام، ۱۳۴۳، *روح ملت ها*، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۲۱۵ صفحه.
۱۴. سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۶۰، *نقشه توپوگرافی ۱:۵۰,۰۰۰ نجف آباد، تیران، حسین آباد، اوزون اخار و عسکران* به شماره های ۱-۶۱۵۵، ۲-۶۱۵۵، ۳-۶۲۵۵، ۴-۶۲۵۵.
۱۵. سلطان زاده، حسین، ۱۳۶۷، *تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۴۰۱ صفحه.
۱۶. سلیمی بنی، عشقعلی، ۱۳۴۸، *جغرافیای نجف آباد*، پایان نامه کارشناسی، استاد راهنما سیروس شفقی، دانشگاه اصفهان، گروه جغرافیا، ۲۱۸ صفحه.
۱۷. سیوری، راجر، ترجمه کامبیز عزیزی، ۱۳۶۳، *ایران عصر صفوی*، چاپ دوم، سال ۱۳۶۶، مرکز نشر، تهران، ۲۹ صفحه.
۱۸. شهرداری نجف آباد، ۱۳۸۶، *خلاصه فعالیت چهارساله عمرانی*، چاپ اول، روابط عمومی شهرداری، ۵۸ صفحه.
۱۹. شیروانی، زین العابدین، تصحیح عبدالله مستوفی، ۱۳۱۵، *بستان السیاحه یا سیاحتنامه*، چاپ اول، ۱۳۱۵، کتابخانه سنایی، کتابفروشی محمودی، تهران، ۷۰۳ صفحه.
۲۰. غیور، حسنعلی، ۱۳۷۰، *نگرشی تازه بر قنات در ایران و چگونگی توزیع آن در مناطق مختلف جغرافیایی*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۲۳، سال ششم، آستان قدس رضوی، مشهد، صفحات ۱۳۰-۱۱۷.

۲۱. فرح بخش، هدایت، ۱۳۷۸، گرجیان و نقش آنان در دولت صفوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما حسین میر جعفری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، گروه تاریخ، ۱۸۵ صفحه.
۲۲. فلاندن، اوژن، ترجمه حسین نور صادقی، ۱۳۲۶، سفرنامه اوژن فلاندن، چاپ سوم، سال ۱۳۵۶، انتشارات کتابفروشی اشراقی، تهران، ۵۰۳ صفحه.
۲۳. کاظمی، محمد علی، ۱۳۷۷، حاشیه نشینی در نجف آباد با تاکید بر یزدانشهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما احمد مجتهدی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، گروه جغرافیا.
۲۴. مدرس زاده، سید محمد حسین و همکاران، ۱۳۷۹، جغرافیای استان اصفهان، چاپ اول، سال ۱۳۷۹، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۷۵ صفحه.
۲۵. معصومی اشکوری، سید حسن، ۱۳۷۰، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۲۸۰ صفحه.
۲۶. مشهدی زاده دهاقانی، ناصر، ۱۳۷۴، تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۶۰۷ صفحه.
۲۷. موسسه گیتا شناسی، نقشه شهر نجف آباد، چاپ اول، سال ۱۳۸۶، انتشارات گیتا شناسی، تهران.
۲۸. موسوی اردبیلی نجفی، فخر الدین، ۱۳۵۷، تاریخ اردبیل و دانشمندان آن، جلد دوم، مشهد، انتشارات رافع، ۲۱۴ صفحه.
۲۹. مهندسین مشاور ارگانیک، ۱۳۵۵، خلاصه گزارش طرح جامع و تفصیلی نجف آباد، مرحله اول، اصفهان، بی تا، ۱۵۷ صفحه.
۳۰. میراث فرهنگی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۸۵، اماکن تاریخی و باستانی شهرستان نجف آباد، اصفهان، میراث فرهنگی و گردشگری، ۲۰ صفحه.
۳۱. نجفی، موسی، ۱۳۸۱، مولفه های هویت ملی ایران، مجموعه مقالات گروه اندیشه سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۱، ۳۸۸ صفحه.
۳۲. نجم الملک، عبد الغفار، به کوشش محمد دبیر سیاقی، ۱۳۴۱، سفرنامه خوزستان، چاپ دوم، سال ۱۳۶۲، انتشارات علمی، تهران، ۲۰۲ صفحه.
۳۳. یزدانی، علی، ۱۳۷۶، دیباچه ی دیار نون، چاپ اول، ۱۳۷۶، انتشارات بهار آزادی، ۳۴۷ صفحه.